

## خاستگاه رابطه همسران

موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان ، 1387

منبع: پیام زن، اردیبهشت ۱۳۷۱، شماره ۲

یادآوری :

بررسی مسایل مربوط به بانوان، بخش قابل توجهی از دروس و مباحث حوزه در زمینه های معارف، فقه، تفسیر و حدیث را به خود اختصاص می دهد. گرچه این مباحث به شکل تخصصی ارایه می گردد، اما انعکاس بخشهایی از آن در سطح عموم و در قالبی آسان، می تواند زمینه مطلوبی را برای قشر وسیعی از جامعه در جهت استفاده از این گونه بحثها فراهم کند. از این رو تصمیم گرفتیم، بخشی از این مباحث را در اختیار خوانندگان عزیز قرار دهیم. با سپاسگزاری از اساتید ارجمندی که اجازه فرمودند و چنین فرصتی را برای مجله فراهم نمودند شما را به پی گیری آن دعوت می کنیم.

خداوند وقتی که به مسایل زناشویی می رسد، می گوید: وجود زن برای لذت نیست. وجود زن برای دو نکته اساسی است، یکی اینکه مرد با وجود او آرامش یابد و متقابلا او نیز از وجود مرد، آرامش بگیرد و دیگر اینکه نسل آینده نیز تامین گردد. بدین خاطر، هر وقت سخن از زناشویی است، یا به هر دو نکته اشاره می کند یا به یکی از آن دو. خداوند می فرماید:

"هنذ لباس لکم و انتم لباس لهنذ" (۱)

در این آیه کریمه فرمود: رابطه زن و شوهر، رابطه پوشاک است. هر دو پوشاکند؛ یعنی زن و شوهر آبروی یکدیگر را حفظ می کنند. نه به مرد، می توان گفت میل نداشته باشد، و نه می توان جلوی میل او را باز گذاشت، بلکه باید آن را مهار کرد، مثل اینکه انسان لباس را می بندد.

لباس، پوشاکی است که انسان را حفظ می کند و اعضای بدن با خود لباس در تماس هستند، ولی با بیرون لباس، در تماس نیستند. فرمود: از نظر اعمال غرایز باید از حد لباس بیرون نیاید و غرایز در همان محدوده لباس با هم تماس داشته باشند.

نکته مهمتر اینکه همان طور که لباس، آبروی بدن را حفظ می کند، زن و مرد نیز آبروی اجتماعی یکدیگر را، و همان طور که لباس، انسان را در سرما و گرما حفظ می کند، زن و مرد نیز یکدیگر را در حوادث مختلف و سرد و گرم روزگار، حفظ می کنند.

سوم، همان طور که رابطه لباس و صاحب لباس، يك رابطه تنگاتنگی است که بیگانه، در آن راه ندارد، رابطه زن و شوهر نیز همین طور است، تا اسرار خانوادگی از خانه بیرون نرود.

تشبیه لباس، بهترین تشبیه در این زمینه است. انسانی که لباس دارد، انسانی که پوشاننده دارد، آرامش خاطر خواهد داشت. خدای متعال فرمود: زن لباس است آن طور که شب لباس است. فرمود: شب لباسی است که شما را در بر می گیرد و شما را می پوشاند. بدن و هیكل پوشیده می شود، به علاوه جانتان هم آرامش می گیرد. فرمود:

"و جعلنا الليل لباسا" (۲)

شب علاوه بر اینکه لباس است، بر اثر خاموشی و تاریکی نیز مایه آرامش شماست. زن اگر لباس مرد است، تنها بدن او را نمی پوشاند، جان او را هم آرام می کند. بدین جهت، همان تعبیری که در باره شب آورد که شب، هم لباس است و هم مایه سکونت و آرامش، در باره زن هم آمده است که زن، هم لباس است و هم تسکین دهنده.

فرمود: "لتسكنوا اليها" آرامش پیدا کنید. پس شب، لباس است، شب، مایه آرامش است.

زن، لباس است. زن مایه آرامش و سکونت مرد است.

این آیه کریمه، دارای نکات فراوانی است که به بعضی از آنها اشاره شد؛ اما برجسته ترین نکته این آیه همان آرامش است. در آیه ۲۱ سوره مبارکه روم، وقتی جریان همسران را ذکر می کند، فرمود:

"و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا اليها..."

در زبان فارسی، آن کلمه ای که مطابق با لغت فصیح قرآن باشد، کلمه زوج است نه زوجه، چرا که در قرآن کریم به زن، زوجه اطلاق نشده بلکه زوج اطلاق شده است. هم مرد زوج زن است و هم زن زوج مرد. اگر فرمود:

"هو الذی خلقکم من نفس واحدہ و جعل منها زوجها لتسکن اليها..." (۳)

یعنی از همان نفس واحد، همسرش را آفرید. پس از حوا(ع) به زوج یاد کرده است. از حوران بهشتی نیز به عنوان ازواج یاد می کند نه زوجات. فرمود:

"و لهم فیها ازواج مطهره..." (۴)

ازواج، افصح از زوجات است. گاهی در تعبیرات، برای فرق بین زن و مرد می گویند زوج و زوجه، ولی معمولاً در قرآن کریم از زنها به عنوان ازواج یاد می کند. فرمود:

"و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا اليها..."

پس معلوم می شود آن ارتباطی که زن و شوهر با هم دارند، تامین رفاه و آرامش است. این تعبیر هم در مورد زن و شوهر و هم در مورد شب آمده است. در سوره مبارکه فرقان، آیه ۴۷ فرمود:

"و هو الذی جعل لکم اللیل لباساً..." (۵)

شب را برای شما لباس قرار داد، در حالی که در بعضی از آیات از شب به عنوان تسکین دهنده یاد کرده است. در سوره مبارکه یونس، آیه ۶۷ فرمود:

"هو الذی جعل لکم اللیل لتسکنوا فیه"

در شب يك آرامش نسبی، نصیب انسان می شود. پس همان طور که فرمود شب، لباس است و چگونگی لباس بودن او را هم توضیح داد، فرمود: علاوه بر این، تسکین دهنده نیز هست. در باره زن و شوهر نیز فرمود: زن لباس است و چگونگی لباس بودن زن را نیز در سوره روم تشریح کرد که تسکین دهنده است، یعنی زن باید طوری باشد که مرد با دیدار او آرامش بیابد و متقابلاً مرد نیز باید نسبت به زن این چنین باشد و این يك وظیفه فردی زن و شوهر نسبت به یکدیگر است.

وظیفه نسبت به نسل آینده

حال ببینیم وظیفه زن و شوهر نسبت به نسل آینده چیست؟

پس معلوم شد که وجود زن و شوهر، تنها برای اشباع غرایز نیست. لذت غرایز همانند مزد يك کارگر است، در حالی که غرض اساسی تامین آسایش است.

فرمود: زن نسبت به آینده - مزرعه است. اگر فرمود:

"تسائکم حرث لکم" (۶) "زنان شما کشت شمايند"

یعنی زن، آن کسی است که هم شوهر بالفعل و هم فرزند بالقوه را در نظر بگیرد.

او باید مزرعه (حرث) باشد. اگر خدا او را هم تسکین دهنده و هم مزرعه قرار داد، اولاً وظیفه مرد این است که در "سکن" خود، ساکن باشد و به جای دیگر نرود و در مزرعه خود کشت کند نه در جای دیگر، ثانیاً بای مزرعه خود را هدر ندهد و بذر سالم در آن بپاشد، از این رو، هم مزرعه بودن زن را به

لحاظ نسل آینده بازگو کرد و هم شوهر را به عنوان باغبان و کشاورز این مزرعه، هشدار داد که بذر خوب بپاش. در این زمینه چنان که یاد شد، فرمود:

"نسائکم حرث لکم..."

بذر ناسالم، شرکت شیطان

به فکر نسل آینده باشید که به دردتان بخورد. یک تقدیم خیر در نظرتان باشد و برای خود اقدام کنید.

تنها به فکر این نباشید که هوا و هوس خود را تأمین کنید. تنها به فکر این نباشید که در مزرعه، بذرافشانی کنید؛ بلکه به فکر این باشید که در مزرعه، بذر سالم بپاشید. پس نه تنها به فکر مزرعه باشید و او را مزرعه بدانید و بذر بپاشید و به فکر اطفای غریزه نباشید، بلکه به این فکر باشید که بذر سالم بپاشید. شریک نگیرید مبدا مصداق "و شارکهم فی الاموال و الاولاد..." (۷) باشید، که شیطان در اموال و اولاد شما شریک باشد.

گفته اند: اگر کسی با عیالش برای اطفای غریزه ای که روز، در اثر دیدن یک نامحرم تحریک شده، کنار آمد، آن فرزند، کسی است که "شارکهم فی الاموال... به دنبال اوست. پس اگر چنانچه خدای تعالی این خطر را هشدار داد، معلوم می شود که اگر کسی در این مزرعه، دقیق نباشد، آن شریک، تمام یا مقداری از بذر خود را در این مزرعه می پاشد و در این صورت، تمام یا مقداری از این حاصل، از آن اوست. در هر دو حال، خدا یک انسان غیر موحد را قبول نمی کند. خدا مثل سایر شرکا نیست که بگوید: سهم من هر چه باشد بدهند.

کسانی که با انسان شریک می شوند، سهم خودشان را قبول دارند، اما خدا همان طور که خود شریک ندارد، عمل شریکانه را هم قبول نمی کند.

فرمود: "و ما کان لله فهو یصل الی شرکائهم..." (۸)

فرمود: خدا یک موجودی نیست که کار شریکانه را قبول نماید.

"الا لله الدین الخالص..." (۹)

چنین نیست که اگر ۹۹ درصد عملی خالص و یک درصد آن ریا بود، خدا او را قبول کند و بگوید من به اندازه ۹۹ درصد به شما پاداش می دهم.

اگر خداوند کار شریکی را می پذیرفت، نمی فرمود:

"فما کان لشرکائهم فلا یصل الی الله و ما کان لله فهو یصل الی شرکائهم..." (۱۰)

اگر شریک قبول می شد، باید بخشی از ریا هم قبول شود، و حال آنکه ریا مبطل است و عمل ریایی اصلاً قابل قبول نیست؛ برای اینکه فرمود: "الله الدین الخالص" اگر فرزندی این چنین بود و شیطان در تحقق او شرکت داشت، او نمی تواند عبد صالح خدا باشد.

بدین جهت، در همین آیه سوره بقره فرمود که زن برای اطفای غریزه نیست که فقط مرد را تأمین کند. زن، رابطه بین گذشته و آینده است، برای تأمین نیازهای همسر و به عنوان تسکین دهنده و تأمین کننده نسلهای آینده و به عنوان مزرعه است. همان طور که ساکن باید در مسکن خود آرمیده و سکونت پیدا کند و سکینه داشته باشد، کشاورز هم باید در مزرعه خود، بذر پاشیده و به فکر اطفای غریزه نباشد؛ آن هم چه بذری، بذری که تقدیم خیر به محضر الهی باشد. این فرزند صالحی که پدر، بذرش را پاشیده، مصداق "و ما تقدموا لانفسکم من خیر تجدوه عندالله..." (۱۱) است.

اینها را "تقدمه" می گویند. گرچه این ولد صالح بعد از پدر به دنیا آمده است، ولی آن پدر، کارش را قبلاً کرده است. فرمود که این فرزند صالح، "پیش فرست" شماست. مثلاً شما یک کتاب می نویسید یا راه را اصلاح می کنید، اینها همه "تقدمه" است. حال اگر کسی مسجد ساخت و قبل از اینکه مسجد را افتتاح کنند و در آن نماز بخوانند، از دنیا رفت این تاخیر است یا تقدیم؟ تاخیر است. در این آیه کریمه فرمود که شما با این فرزند صالح، "پیش فرست" داشته باشید.

در جملات بعد این آیه محل بحث فرمود: علاوه بر اینکه زن لباس شماس است و شما لباس زن هستید، خداوند سبحانه می دانست که اگر رابطه جنسی را حلال نکند، عده ای به حرام می افتند. پس فرمود:

"فالان باشروهن" (۱۲)

این جمله گرچه به شکل امر است ولی، در مقابل توهم ممنوعیت است، یعنی فقط به فکر خاموش کردن گزینه نباشید و آنچه را خدا برای شما نوشت، همان را بگیرید. خدا برای شما مشخص کرد که از چه راه، صاحب فرزندان صالح، باتقوا و مومن شوید و از این راه "پیش فرست" و تقدیم خیر برای آینده خود نمایید و نسل آینده را تامین کنید.

این مطلب در کتابهای فقهی، فلسفی، حکمت نظری نیست، و لیکن در کتابهای حکمت عملی هست. در این گونه کتابها "لعلکم تتقون" "لعلکم تفلحون" وجود ندارد. این قرآن است که با نورانیت خود، يك مطلب عقلی، فقهی یا اخلاقی را بیان می کند که این نورانیت، ضمانت اجرای آن است.

---

#### پانویس

- 1- سوره بقره، آیه ۱۸۷.
- 2- سوره نبا، آیه ۱۰.
- 3- سوره اعراف، آیه ۱۸۹.
- 4- سوره بقره، آیه ۲۵.
- 5- سوره فرقان، آیه ۴۷.
- 6- سوره بقره، آیه ۲۲۳.
- 7- سوره اسرار، آیه ۶۴.
- 8- سوره انعام، آیه ۱۳۶.
- 9- سوره زمر، آیه ۳.
- 10- سوره انعام، آیه ۱۳۶.
- 11- سوره بقره، آیه ۱۱۰.
- 12- سوره بقره، آیه ۱۸۷.